

کتاب تاریخ را اگر ورق بزنید

درمی‌یابید که پیوند قدرت و ارتش در مصر ناگسستنی است. تا قبل از انقلاب ۲۵ژانویه، ده‌ها سال بود که نظامیون مصری بر کرسی قدرت چمبه زده بودند. از زمان کودتای افسران مصری علیه ملک فاروق در سال ۱۹۵۲ تا انقلاب ۲۵ ژانویه، ارتش همواره دستی در سیاست داشته. جمال عبدالناصر، انور سادات و در نهایت حسنی مبارک همه افسرانی بودند که یکی پس از دیگری قدرت را به‌ انحصار خود درآوردند. ناصر و ژنرال محمد نجیب از شکست اعراب در جنگ اعراب و اسرائیل و دلسردی مرد نسبت به ملک فاروق، پادشاه وقت مصر استفاده کرده و او را از قدرت برکنار کردند. ژنرال‌های باهوش رژیم سلطنتی را لغو کردند و بنای نظام‌جمهوری را در مصر نهادند. اما هیچ‌گاه به معیارهای جمهوری وفادار نمانند و خود نیز اگرچه لقبی فریبنده به نام ریاست‌جمهوری را بدک می‌کشیدند اما کیش پادشاهان را درپیش گرفتند و قدرت را قبضه کردند. اما در زمان حکومت ناصر که از

سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۰ طول کشید، چند رویکرد مهم به‌چشم می‌خورد؛ موقعیت ممتاز نظامیون از نظر سیاسی و اقتصادی؛ شکست در سیاست خارجی در سال ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ و ورود مصر به توافق تجلیحاتی ۲۰ساله با اتحاد جماهیر شوروی. شکست در مقابل اسرائیل در سال ۱۹۶۷، نقطه عطفی در روابط مدنی نظامی مصر بود. پس

از این شکست مفتضحانه، ناصر نظامیون را از دید سیاسی دور کرد و یکی از متحدان نزدیکش یعنی عبدحکیم عامر، رئیس ستاد نیروهای مسلح و بسیاری از افسران ارتش ایالات متحده در پنسیلوانیاست. رئیس نیروی‌هوایی و دریایی مصر انورسادات، معاون رئیس جمهور و افسر ارشد قدرت را در اختیار گرفت و بسیاری از سیاست‌های مهم ناصر را تغییر داد. او یک مجلس چند حزبی تانسیس کرد، اقتصاد مصر را رونق داد و پیمان صلح معروفی با اسرائیل در سال ۱۹۷۸ بست. بااین حال و با وجود پیروزی سادات در برابر اسرائیل در سال ۱۹۷۳ او به دلیل تغییر سیاستش در برابر اسرائیل از سوی افسران و همچنین توده به چالش کشیده شد و در سال ۱۹۷۷ به از دست دادن قدرت بسیار نزدیک شد. او نهایتاً در سال ۱۹۸۱ از سوی افسران اسلامی ترور شد. بعد از سادات، حسنی مبارک قدرت را در دست گرفت. او هم معاون رئیس‌جمهور و افسر سابق نیروی هوایی مصر بود. مبارک، در طول حکومت ۳۰ساله خود با نفوذ اسلامگرایی در ارتش و جامعه مبارزه کرد و در سال ۱۹۹۰ قیام اسلامگرایان را وحشیانه سرکوب کرد. او همچنین به پاکسازی ارتش در سیاست ادامه داد و اگرچه مبارک توانست تا حد زیادی ارتش را از قدرت دور کند اما ارتش همچنان کارتل اقتصادی باقی ماند.

ارتش، کارتل اقتصادی مصر

ارتش مصر به امپراتوری اقتصادی بزرگش بدنام است و طبق آمارها بین ۲۰ تا ۴۰درصد اقتصاد مصر را در اختیار دارد. ارتش مصر یک کارتل اقتصادی است که شرکت‌های فعالی در زمینه‌صنعت، کشاورزی، ساخت‌وساز، ارتباطات و خدمات دارد و فعالیت در برخی از این زمینه‌ها را برای بخش خصوصی غیرقابل دسترس کرده است. با این حال، برنامه‌های اقتصادی نئولیبرالی مبارک در سال ۱۹۹۰ تا حدودی موقعیت اقتصادی ممتاز ارتش را به چالش کشاند. مبارک شاید تصور می‌کرد که منافع حاصل از آزادسازی اقتصادی برای او ممکن است برای مقابله با نیروهای مسلح به کمک او بیایند. اما انقلاب مصر نشان داد که تصور مبارک اشتباه بوده است و او یاری مقاومت نداشت. واضح است که افسران و دیگر اعضای نظامی از سوی نظام حاکم مصر تحت نظارت شدید یا تهدید و ممانعت از رفتار مستقل در انقلاب مصر نبودند، این واقعیت در کنار وزن مبارک و تسلط آنها بر سیاستمداران غیرنظامی از آن زمان به بعد گویای این امر است. می‌گویند بدون مداخله نظامی مستقیم خارجی، بقای رژیم‌های خودکامه در برخورد با قیام‌های داخلی به وفاداری و انسجام ارتش بستگی دارد. ارتش مصر اگرچه از انسجام کافی برخوردار بود اما هیچ‌گاه به مبارک وفادار و پاسخگو نبود. نظامیون مصری همواره روابط نزدیکی با ایالات متحده داشتند و علاوه بر

مردم انقلابیان را پس گرفتند. مردمی که (۲۵ ژانویه ۲۰۱۱) با حضور در خیابان‌ها «حسنی مبارک را مجبور به استعفا کردند، حال با شعارهای «مرسی برو، خیابان را رها نکنند. سوم ژوئیه (محمد مرسی) توسط ارتش برکنار شد؛ رئیس‌جمهوری که سال گذشته بر اساس انتخابات دموکراتیک انتخاب شده بود. انتخابات «دموکراتیکی» که نتوانست اوضاع مصر را آرام کند. انتخاباتی که در همان زمان هم به‌نظر نمی‌رسید بتواند خواسته‌های مردم را برآورده کند. یک سال حکومت مرسی با بی ثباتی سیاسی و اقتصادی و نارضایتی مردم همراه بود. مرسی در طول این مدت در تلاش بود تا بر اختیارات خود بیفزاید. از همین‌رو بود که چندی پیش در حکمی ۱۷استاندار از مجموع ۲۷استاندار کشور را برکنار و افراد جدیدی را به جای آنان منصوب کرد که برخی از آنان از اعضای گروه «آخوان المسلمین» بودند. او پس از ریاست‌جمهوری گفته بود: «رئیس‌جمهور می‌تواند برای حفاظت از انقلاب هر تصمیمی بگیرد یا هر اقدامی انجام دهد. قوانین، تصمیم‌ها و دستورهای رئیس‌جمهور نهایی و قطعی است.» در انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته مصر، محمد مرسی و احمد شفیق به دور دوم انتخابات راه یافتند و سرانجام مرسی توانست با کسب ۵۱۷/۳درصد رأ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شود.

آنچه در پی می‌آید اتفاقاتی است که از زمان برکناری «مبارک» تاکنون در مصر شاهدش بودیم

۲۵ فوریه ۲۰۱۱: مصری‌ها در تظاهرات گسترده‌ای علیه سه دهه حکومت «حسنی مبارک» تظاهرات گسترده‌ای برگزار کردند؛ تظاهراتی که ۱۸روز ادامه داشت و رژیم مبارک و متحدانش تظاهرات را سرکوب کردند. در این میان صدنفذ را مردم کشته شدند.

۱۱ فوریه: مبارک سقوط کرد و قدرت به ارتش انتقال یافت. دور روز بعد ژنرال‌های ارشد ارتش شوراییلی نیروهای مسلح پارلمان را متحل و قانون اساسی را تعلیق کردند. آنها همچنین با معترضان ملاقات کردند و به خواسته‌های کلیدی آنان گوش دادند.

۱۷–۱۶ ژوئن: مصری‌ها برای انتخابات ریاست‌جمهوری پای صندوق‌های رای می‌روند. در این انتخابات رقابت میان «محمد مرسی» و «احمد شفیق» نتگاتنگ است و سرانجام مرسی با ۱۱/۷درصد رأ پیروز می‌شود.

جهان



رفتارشناسی ارتش مصر

مارش ارتش در تاریخ مصر

سودابه رخش

کمک‌های مالی بی‌درغ واشنگتن به آنها، ارتش رابط مستقیم و مذاکره‌کننده اصلی مصر و ایالات متحده بوده است. عبدالفتاح السیسی فارغ‌التحصیل کالج جنگ ارتش ایالات متحده در پنسیلوانیاست. رئیس نیروی‌هوایی و دریایی مصر هم در آمریکا دوره دیده‌اند. بیش از ۵۰۰ افسر نظامی هر سال از مدارس عالی آمریکا فارغ‌التحصیل می‌شوند. روابط دو طرفه آنقدر نزدیک است که حتی یک مهمانسرای ویژه در یکی از خیابان‌های واشنگتن برای اقامت نظامیان مصری وجود دارد. بعد از اسرائیل یکی از بیشترین کمک‌های نظامی ایالات‌متحده به مصر می‌رسد. خدمات پژوهشی کنگره آمریکا اخیراً گزارش داده است؛ کمیته آمز هزینه‌های نظامی مصر نامشخص است اما تخمین زده شده که کمک‌های نظامی آمریکا ۸۰درصد هزینه‌های خرید سلاح وزارت دفاع مصر را تامین می‌کند. همکاری‌های نظامی و دفاعی مصر و آمریکا در پی اتحاد قاهره و واشنگتن از زمان امضای پیمان کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ و پیمان صلح میان مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. ارتش مصر از سال ۸۷ هر سال یکمیلیارد ۲۰۰میلیون دلار از آمریکا کمک دریافت می‌کند. اگرچه کمک‌های اقتصادی آمریکا به مصر از سال ۱۹۹۹ روند نزولی را طی کرد و

•••••

می‌گویند بدون مداخله نظامی مستقیم خارجی، بقای رژیم‌های خودکامه در برخورد با قیام‌های داخلی به وفاداری و انسجام ارتش بستگی دارد. ارتش مصر اگرچه از انسجام کافی برخوردار بود اما هیچ‌گاه به مبارک وفادار نبود. نظامیون مصری همواره روابط نزدیکی با آمریکا داشته‌اند و علاوه بر دریافت کمک‌های مالی بی‌درغ، ارتش رابط مستقیم و مذاکره‌کننده اصلی مصر و ایالات متحده بوده است

•••••

از ۸۱۵میلیون‌دلار در سال ۱۹۸۸ به ۲۵۰میلیون‌دلار در سال ۲۰۱۲ رسید اما کمک‌های نظامی تغییری نکرد. این نشان‌دهنده علاقه آمریکا به ادامه و حفظ همکاری استراتژیک با ارتش مصر است. در ازای حمایت نظامی آمریکا از ارتش مصر، کشتی‌های جنگی ایالات متحده بدون‌هیچ مشکلی از کانال سوئز عبور می‌کنند. کمک‌های نظامی آمریکا همچنین نفوذ سیاسی و استراتژیک واشنگتن در مصر را افزایش می‌دهند. به‌نظر می‌رسد همکاری نظامی مصر و آمریکا روزهای خوبی را در پیش دارد چراکه هر دو طرف به هم نیاز دارند. مصر نیازمند سلاح‌های پیشرفته و آموزش‌های نظامی آمریکاست و واشنگتن نیز باید امنیت اسرائیل را تامین کند و موقعیت استراتژیکش در خاورمیانه را حفظ کند.

گاهشمار انقلاب مصر

تانیا تجلی

۳۰ ژوئن: مرسی سوگند می‌خورد.

۱۲ اگوست: در حرکتی جسورانه مرسی دستور بازنشستگی رهبران نظامی ارشد زمان مبارک را می‌دهد. او همچنین قدرتی را که به ارتش داده شده بود، از آنها می‌گیرد. حرکتی که به منظور محدودکردن قدرت ارتش صورت گرفت. اما این حرکت به مرسی قدرت قانونگذاری در غیاب پارلمان را می‌داد.

۲۲ نوامبر: مرسی به‌طور یکجانبه بر اختیارات خود افزود. از جمله اینکه تصمیمات خود را از بررسی قضایی مصون کرد؛ او همچنین دادگاه را از انحلال مجلس موسسان و سنا محروم کرد. همین اختیارات جرقه تظاهرات دوباره در مصر را برانگیخت. حدود ۲۰۰هزار نفر در میدان التحریر تجمع کردند و شعار دادند: مرسی برو. **۴ دسامبر:** صدهزارنفر مقابل کاخ ریاست‌جمهوری تظاهرات برپا کردند و خواستار لغو همه‌پرسی و نوشتن قانون اساسی جدید شدند. روز بعد اسلامگرایان



رفتار ارتش در انقلاب

به نظر می‌رسد که ارتش در هر قدمش منافع اقتصادی‌اش را در نظر گرفته است. مبارک را برکنار کرد چرا که او را تهدیدی جدی برای امپراتوری وسیع اقتصادی خود می‌دانست. در فرآیند گذار پس از مبارک به سوی دموکراسی مدنی، نظامیون از طریق شوراییعالی نیروهای مسلح (SCAF) بیش از یک سالال حکومت را به‌دست گرفتند. در آن زمان بسیاری از ارتش به دلیل تاکتیک‌های خودپسندانه انتقاد کردند. در طول قیام مردم مصر هم نظامیون مصری به وضوح تلاش کردند امتیازات خود را حفظ کنند. برای مثال ارتش از تجدید نظر بندهای قانون اساسی ممانعت کرد، با اصلاحات اقتصادی و سیاسی مخالفت ورزید، بر معترضان علیه حکومت نظامی فشار آورد و هزاران معترض را دستگیر کرد و همچنین از طریق دادگاه قانون اساسی نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری را از شرکت در انتخابات محروم کرد. ارتش مصر و مرسی در اوایل روی کارآمدن مرسی و حتی اندکی قبل از

آن به جای تقابل، راه تعامل را پیش گرفتند و حتی بسیاری بر این باور بودند که پیروزی مرسی بدون کمک نظامیون ممکن نبود. وقتی مرسی به عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم مصر انتخاب شد، ارتش مصر که ۱۶ماه بعد از سقوط مبارک حکومت را در اختیار داشت، به پادگان‌ها برگشت و سیاست را رها کرد. با این حال با کودتای ارتش علیه مرسی و برکناری او، تحلیلگران به این نتیجه رسیدند که تعادل بین دولت و ارتش تنها با شرط «ثبات» برقرار بود. زمانی که صدهاهزارنفر به خیابان‌ها ریختند و سرنگونی مرسی را خواستار شدند، منافع تثبیت شده ارتش به خطر افتاد. ارتش مجبور بود وارد کارزار شود چراکه از خشونت فراگیر و فروپاشی کشور می‌ترسید. علاقه ارتش به ثبات در تمایل نظامیون به حفظ جایگاه والای آنها در جامعه ریشه دارد. مرسی علایم بسیار اندکی برای به چالش کشیدن اختیارات ارتش نشان داد. او هیچ کاری برای رسیدگی به نقض گسترده حقوق بشر در طول دوره حکومت نظامی انجام نداد، محتوای گزارش ۷۰۰صفحه‌ای کمیته حقیقت‌یاب در این مورد هنوز هم برای عموم منتشر نشده است. با این حال مرسی اشتباهات جبران‌ناپذیری داشت. علاوه بر انحصارگرایی اخوان در قدرت، یکی از اشتباهات مرسی تمرکز بر سیاست خارجی و فعال‌شدن در این زمینه بود. رابطه با گروه فلسطینی حماس همواره در حیطه‌کاری سرویس اطلاعاتی مصر بود اما مرسی و اخوان‌المسلمین روابط دیرینه‌ای با این گروه داشت. مذاکره مقامات مصر به آتش‌بس و پایان جنگ هشت‌روزه بین حماس و اسرائیل منجر شد و تحسین گسترده‌ای را برای مرسی به دنبال داشت. ماه گذشته هم مرسی یکی از قدم‌های اشتباهش را برداشت. مرسی جلسهای را سازماندهی کرد که در مورد ساخت سد جدید روی نیل در اتیوپی بحث کند؛ پروژه‌ای که می‌تواند آب را از منبع اصلی مصر جدا کند. در این کنفرانس که به صورت زنده از تلویزیون دولتی مصر پخش شد، شرکت‌کنندگان پیشنهاد حمله به اتیوپی و ارسال سلاح به گروه‌های شورشی آنجا را مطرح کردند. همچنین ماه گذشته مرسی در کنفرانسی در مورد سوریه به شرکت کرد که شرکت‌کنندگان خواستار «جنگ مقدس» علیه بشار اسد بودند. این اظهارات که مصری‌ها را به جنگ خارجی سوق می‌داد شاید نقطه اوج خشمگینی ارتش شد. مرسی و دولتش از خطوط قرمز امنیتی عبور کردند. آنها بازی سیاسی‌ای را با امنیت ملی راه انداختند که موجب ناراحتی عمیق ارتش شد. مرسی از سیاست خارجی برای جلب حمایت داخلی استفاده کرد که همیشه بازی خطرناکی است. این نهایت موضوع این است که همه در پشت پرده با اخوان‌المسلمین دشمنی داشتند اما در جایگاهی بود که بتواند کاری درباره آن بکند. ارتش مصر، هم در انقلاب ۲۵ ژانویه و هم در سرنگونی مرسی در جبهه توده مردم بود چرا که به نظر می‌رسید منافش با خواست مردم در یک جهت بود. اما این سوال ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است: چه تضمینی وجود دارد که اگر یکی از گزینه‌های مورد علاقه ارتش در آینده قدرت را در دست گیرد و بار دیگر مردم به خیابان‌ها بیایند، ارتش در مقابل آنها نایستد؟

•••••

مخالفان مرسی حمله کردند و در این حمله ۱۰ نفر کشته شدند. **۲۵ ژانویه ۲۰۱۲:** هزاران نفر از مردم در دومین سالگرد انقلاب مصر در التحریر و سراسر مصر تظاهراتی برگزار کردند و در نقاط بسیاری درگیری گزارش شد. **مارس:** قانون اساسی جدید این کشور با کسب بیش از ۹۰درصد رأی مثبت مورد تایید قرار گرفت. **۳۱/۸درصد** رأی‌دهندگان به قانون اساسی جدید رای موافق و **۲۶/۲درصد** رای مخالف دادند»

حدود ۱۷میلیون‌نفر از بیش از ۵۰میلیون‌نفر واجد شرایط در همه‌پرسی پیرامون قانون اساسی جدید مصر شرکت کردند. **۲۶ ژانویه:** تظاهرات گسترده‌ای در شهر پورت سعید برگزار شد؛ تظاهراتی که به دلیل خشم مردم از حکم دادگاه بود. دادگاه گروهی از طرفداران فوتبال را که در سال ۲۰۱۲ در استادیوم درگیری ایجاد کرده بودند، به اعدام محکوم کرد بود. در این درگیری‌ها ۴۰نفر کشته شدند. همین جاب خشم مردم از مرسی شد. مرسی در این زمان پلیس را به خاطر سرکوب مردم ستایش کرد. **فوریه –مارس:** تظاهرات در پورت سعید و سایر شهرها ادامه یافت.

۲۳ ژوئن: چهار نفر از شیعیان مصر کشته شدند. مرسی این اقدام را محکوم کرد.

۳۰ ژوئن: «میلیون‌ها نفر از مردم مصر در قاهره و دیگر شهرهای مصر به خیابان آمدند و خشم خود را از رهبر اسلامگرایان آشکار کردند. اگرچه تظاهرات مسالمت‌آمیز بود اما ۱۶ نفر در درگیری‌های خراج از دفتر مرکزی اخوان‌المسلمین کشته‌شدند.

۱ ژوئیه: تظاهرکنندگان و ارتش ۴۸ ساعت به مرسی وقت دادند تا راه‌حل خود را ارائه دهد.

۲ ژوئیه: در درگیری‌های خراج از دانشگاه قاهره ۱۶نفر کشته شدند. منابع غیر رسمی تعداد کشته‌ها را بیش از ۲۳نفر اعلام کردند.

۳ ژوئیه: ژنرال «عبدالفتاح السیسی» از تلویزیون ملی اعلام کرد مرسی از قدرت سرنگون شد. این پیام موجی از خوشحالی را در سراسر مصر برانگیخت.

دریچه

مصر در دام فقر

جامعه مصر سلطه اخوان‌المسلمین بر این کشور را نپذیرفت و حالا رئیس‌جمهور اخوانی مصر «مرسی» سقوط کرده است. در مصر همچنان ارتش امور سیاسی دست بالا را دارد و به همین دلیل ادامه جنبش اعتراضی کنونی مصر علیه اخوان‌المسلمین، طبیعی است که به همراهی ارتش ختم شود. نقش‌آفرینی مصر در امور سیاسی و حکومتی این کشور به قیام‌افران ملی مصر علیه حکومت پادشاهی «فاروق» باز می‌گردد که در آن قیام عبدالناصر نقش رهبری قیام را داشت و پس از سقوط سلطنت، رئیس‌جمهور مصر شد. دوران ریاست‌جمهوری ناصر یکی از درخشان‌ترین دوره‌های استقلال ملی یک کشور در منطقه خاورمیانه بود. اینکه ارتش امروز مصر دارای همان ظرفیت و محبوبیت است در میان مردم، یک اشتباه است اما اینکه هنوز ارتش خود را رکنی از جمهوری مصر می‌داند یک واقعیت است. ای‌سا که این واقعیت، رگه‌هایی از ملی‌گرایی نیز هنوز در ارتش مصر باقی باشد؛ همان ملی‌گرایی‌ای که موجب ایستادگی در برابر دولت تجاوز اسرائیل شد «مرسی» پس از قیام معروف به بهار عربی و سقوط حسنی مبارک، در دوم ژوئن سال ۲۰۱۲ با ۱۷/۱درصد آرا در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد. اما از همان ابتدا درباره این میزان رای او سوال‌های بسیاری مطرح بود و از جمله دلایل این پیروزی را اعلام تحریم انتخابات توسط مخالفان حکومت اخوان‌المسلمین از یک‌سوی و بسیج سازمانی اخوان‌المسلمین برای شرکت در انتخابات می‌دانستند. امری که حالا با بسیج ملی مردم برای آمدن به خیابان‌ها علیه دولت مرسی به عکس خود تبدیل شده است. اگر مرسی میوه تحریم انتخابات را چشید، حالا تلخی هسته حضور خیابانی مردم علیه خود را چشید. گفته می‌شود در حضور خیابانی روز یکشنبه علیه مرسی که با فراخوان همه‌سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های ملی صورت گرفت، بالغ بر ۳ میلیون مصری به خیابان‌ها آمدند. برنامه دولت اخوان‌المسلمین به عقب بردن جامعه مصر به دهه‌ها سال پیش است و در این میان لژار کار آنها استبداد بوده است. مرسی بعد از یک سال حکومت، هیچ سندسورد مثبتی نداشت که به مردم ارایه و از دولت خود دفاع کند. او کوشید قضات و رسانه‌ها را متهم به ضدیت با دولت خود کند اما وقتی مردم علیه او در خیابان‌ها بودند، مطبوعات چه می‌توانستند بنویسند جز آنچه در خیابان می‌گذشت؟ مرسی برای تحمیل سانسور و خفافان مطبوعات مصر بیش از ۲۰۰تشکایت علیه خبرنگاران به دادگاه ارایه داد. حتی در دوره ۳۰ساله حکومت مبارک نیز چنین رویدادی را جامعه مطبوعاتی مصر شاهد نبود. مرسی به جای پاسخ به خواست مردم برای دموکراسی، مهار فساد دولتی و چارندیشی اقتصادی برای کنترل بحران اقتصادی حاکم بر مصر، کوشش خود را متوجه تقویت دیدگاه اخوانی‌اش در مصر کرد و دستگاه دولتی را به اخوان‌المسلمین سپرد. فرمانداران و استانداران را از حزب اخوان‌المسلمین برگمارد. از ۲۷استاندار مع ۱۱استاندار از چهره‌های مهر‌پیشانی اخوان‌المسلمین منصوب شدند. استاندارانی که خود را جهادی اعلام کردند و خشم مردم مصر را برانگیختند. از جمله استاندار «القصر» که از گروه «جهاد اسلامی» وابسته به اخوان‌المسلمین است و در سال ۱۹۹۷ در راس یک گروه مسلح ۵۰گروندشگر غریب را در مصر ترور کرد و ضربه مهلکی بر صنعت توریسم، یعنی مهم‌ترین منبع درآمد مصر وارد آورد. او اکنون تحت فشار است که گروه «جهاد اسلامی» وابسته به علیه حکومت اخوان‌المسلمین از مرحله برکناری این و آن فرد عبور کرده است. افزایش بیکاری، سقوط صنعت توریسم در مصر، کاهش قدرت خرید مردم در بازار، سقوط پول ملی مصر و افزایش قیمت کالاها در سال گذشته جایی برای تغل مردم جهت قیام علیه مرسی و به خیابان آمدن باقی نگذاشت. برنامه اقتصادی دولت با شعار «اسلام راه‌حل است» که شعار انتخاباتی مرسی بود، اکنون با دستخرف و حتی نامزای مردم روبرو شده است. فقر رو به رشد. ۴۰درصد از جمعیت مصر را به خام کود کشیده است. کمبود نان و نفت و بنزین و قطع متولوب برق، دستور سرکوب مردم و حتی بالا رفتن آمار تجاوز به زنان همان کارنامه دولت مرسی است که مردم علیه آن قیام کردند.

گفت‌وگو

حجت‌الله جودکی در گفت‌وگو با «شرق»:

تجربه عزت آموز مرسی

مرسی برکنار شد، آن‌هم تنها یک سال بعد از روی کار آمدنش. اما چه اتفاقی افتاد که اولین رئیس‌جمهور منتخب مصر به ناگهان منغور طیف گسترده‌ای از مصری‌ها شد؟صد اتفاقات یک سال اخیر نشان می‌دهد که مرسی ، همچنان زده از اولین تجربه قدرتمداری اخوان ، به جای همراه بودن با مردم و تلاش برای برآورده کردن مطالبات آنها تلاش کرد قدرت را قبضه کند. او اقتصاد، اولین اولویت معترضان را رها کرد و مانور سیاسی تمام عیاری در منطقه به راه انداخت.ارتباط دولت مرسی با نظامیان نیز که در ابتدا مساعد به نظر می‌رسید، رفته‌رفته خدشه‌دار شد. کارنامه یک ساله مرسی در کمتر حوزه‌ای مثبت بود و مرسی در بیشتر موارد نتوانسته بود چالش‌های پیش‌رویش را کنار بگذارد. ناکامی در بیشتر مسائل همه چیز را مهیای برکناری مرسی کرد و در نهایت مرسی سقوط کرد. اما مصری ها چگونه می‌توانند انقلابشان را تکمیل کنند و کشورشان را به سمت دموکراسی سوق دهند؟ دولت آینده مصر چگونه باید از تجربه تلخ مرسی درس بگیرد؟

حجت‌الله جودکی معتقد است مرسی اشتباهات زیادی داشته که دولت آینده باید از آنها عبرت بگیرد. او بر این باور است، برای اینکه دولت آینده در مصر به اشتباهات مرسی دچار نشود باید از گروه‌های مختلف از جمله تکنوکرات، ملی، لیبرال و سکولار تشکیل شود. آنچه در پی می‌آید، مصاحبه کوتاهی است با او درباره تحولات اخیر مصر.

▲ از نظر شما اقدام ارتش کودتا بوده یا ارتش در نقش ناجی مردم ظاهر شده است؟

ببینید اقدام ارتش را هم می‌توان کودتا تلقی کرد و هم خیر. چون اقدام ارتش هردو مورد را برمی‌گیرد. می‌توان گفت کودتا بوده است اما کودتایی که ضرر به مردم زده و در راستای منافع و خواست مردم بوده است. کودتاعمدتا از طرف گروه‌هایی صورت می‌گیرد که کلامی‌خواهند همه چیز را قبضه و در اندک زمان صادره کنند. این در حالی است که ارتش اعلام کرد که نمی‌خواهد چنین کاری را انجام دهد و قصدش حمایت از مردم است. ارتش در این زمان یک دولت موقت تشکیل داده و بر آن است که به زودی انتخابات دیگری را برگزار کند. معمولاً مردم از کودتا احساس خطر و تنفر می‌کنند ولی مردم مصر پس از اقدام ارتش احساس شادمانی کردند.

▲ پس از بعدی دیگری می‌توان گفت چون ارتش از مردم حمایت کرده پس اقدام ارتش کودتا نبوده، درست است؟

بله. حوادثی که در مصر پیش آمد به دلیل اشتباهیات زیادی بود که مرسی و اخوان‌المسلمین داشتند. اشتباهات آنها باعث شد مردم مقابلشان قرار بگیرند و ۲۲میلیون امضا برای برکناری مرسی جمع‌آوری کنند. این درحالی است که هواداران مرسی تنها توانستند ۱۱میلیون امضا جمع کنند. خودبه‌خود این برکناری مرسی اتفاق می‌افتاد. مرسی با انحصارطلبی و شیوه‌های اینجینی پیگاه مردمی‌اش را از دست داد. اتکای بیش از حد او به سلفی‌های تندرو، باعث شد مردم از این مساله بترسند و در مقابلش موضع‌گیری کنند. او چندی پیش برخی از استاندانان را برکنار و افراد اخوان‌المسلمین را جایگزین کرد. مثلاً استاندار شهر توریستی «القصر» را از جماعت اسلامی انتخاب کرد. همان



گروهی که در سال ۱۹۹۵ میلادی در حمله به جهانگردان خارجی در قصر ۵۶ جهانگرد آلمانی را کشتند. همین سازوکارها ترس مردم را برانگیخت. یا مثلاً قانون اساسی جدید تنها با رای ۱۷درصدی تصویب شد. اینها مواردی است که ناکارآمدی اخوان را نشان می‌دهد. همه این عوامل باعث شد تا کار مرسی و اخوان به اینجا برسد و اولین تجربه سیاسی و حکومتداری اخوان‌المسلمین ناکام بماند.

▲ آیا ارتش بر حمایت خود از مردم ادامه خواهد داد؟ چه تضمینی وجود دارد که از این پس ارتش از مردم حمایت کند؟

قانوناً در همه جای دنیا و از جمله مصر ارتش از مردم حمایت می‌کند. اگر این حمایت صورت نگیرد، ارتش با ۲۲میلیون‌نفر طرف خواهد بود. با این تفاسیر ارتش عاقل‌تر از آن است که مقابل مردم بایستد، چون پرسستی‌خود را از دست خواهد داد. من بعید می‌دانم که ارتش چنین کاری در خود را در مقابل جمعیتی به این گستردگی قرار دهد.

▲ عمر دولت موقت چقدر است و انتخاب عدلی منصور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آنچه اعلام شده ۶۰عروز است. اما آطور که حوادث جاری نشان می‌دهد بعید می‌دانم در این مدت نتیجه نهایی به دست آید و حوادث پیش‌رو سبب خواهد شد که زمان گرفته شود. عدلی منصور هم که پیش‌تر رئیس دادگاه قاتل جمعیتی به این گستردگی قرار چند انتخاب شد، همان‌طور که مثلاًاگر در کشور رئیس‌جمهور برکنار شود معاون او جایگزین خواهد شد.

▲ پیش‌بینی شما از دولت آینده چیست و آینده مصر به کدام سو می‌رود؟

دولتی خوب است که نماینده کل ملت و فراجحای باشد؛ دولتی که تکنوکرات باشد و تخصص داشته باشد و بتواند مشکلات مردم را حل کند. دولت آینده باید از گروه‌های تکنوکرات، ملی، لیبرال، سکولار و اسلامگرایان مستقل و اخوان‌المسلمین تشکیل شود. اگر دولت آینده غیر از اینها باشد به همان سرنوشت مرسی گرفتار خواهد شد و مردم دوباره به خیابان‌ها آمده و انقلاب ادامه خواهد داشت.

▲ پیش‌بینی شما از تظاهرات حامیان مرسی چیست؟

اگر گروه‌های اسلامگرا بخواهند دست به آشوب بزنند آینده مصر تیره‌وتر خواهد شد. اما اگر حامیان مرسی به‌عنوان گروهی سیاسی مبارزه کنند، نتیجه عکس خواهد شد. همان‌طور که دیدید در این چند روزه گروه جدیدی تحت‌عنوان «انصار الشریعه» هم اعلام موجودیت کرده است. یا مثلاً در سینا اخوانی‌ها عملیات نظامی کردند. این عوامل بازگشت به صحنه سیاسی را برای آنها سخت‌تر خواهد کرد. با توجه به نزدیک‌شدن به ماه رمضان باید گفت که احتمال دارد این تظاهرات فروکش کند.